

بررسی رابطه بین بلوغ عاطفی معلم با سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان پایه ی پنجم و ششم شهرستان نیریز در سال تحصیلی 1397-1398

زهرا عابدی^۱، جلال کلانتری^۲، نیلوفر کشاورزبان^۳

^۱دانش‌آموخته‌ی روانشناسی عمومی، واحد فسا، دانشگاه آزاد فسا، ایران، Zahra.abedi22@gmail.com

^۲استادیار گروه روانشناسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد فسا، ایران، j.kalantaree@yahoo.com

^۳دانش‌آموخته‌ی روانشناسی عمومی، واحد فسا، دانشگاه آزاد فسا، ایران، ke_niloofar@yahoo.com

چکیده-هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی متغیرهای بلوغ عاطفی معلم و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. روش پژوهش توصیفی و با طرح همبستگی و جامعه‌ی آماری تمامی معلمان و دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم شهرستان نیریز می‌باشند که تعداد نمونه با استفاده از جدول مورگان، ۷۰ معلم و ۳۵۰ نفر دانش‌آموز تعیین شد که با روش گلوله برفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه‌های سرزندگی تحصیلی دهقانی و حسین چاری (1391)، بلوغ هیجانی پرسشنامه‌ی یاشوبر سینک و بهارگوا (EMS) (۱۹۷۴) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص آماری، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیریم زمان و آزمون *t* برای رد تا پذیرش فرضیه‌های تحقیق استفاده شد. داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها به وسیله‌ی نرم افزار 22 SPSS تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین ابعاد بلوغ عاطفی معلم و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنادار در سطح معناداری برابر با 0/000 وجود دارد. و بلوغ عاطفی معلم قادر به پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: بلوغ عاطفی معلم، سرزندگی تحصیلی، دانش‌آموزان

مقدمه

زندگی تحصیلی از مهمترین دوره‌های زندگی فرد است که بر تربیت و یادگیری ثمربخش و موفقیت آمیز فرد تدثیر می‌گذارد و در آن لیاقت‌ها و توانایی‌ها به بار می‌نشیند و پیشرفت‌های علمی حاصل می‌شود. اما در این زندگی، دانش‌آموزان با انواع چالش‌ها، موانع و فشارهای خاص دوران تحصیل مواجه می‌شوند. برخی از دانش‌آموزان در برخورد با این موانع و چالش‌ها موفق عمل می‌کنند، اما گروهی دیگر از دانش‌آموزان در این زمینه ناموفق هستند. سرزندگی تحصیلی، توانایی برخورد با چالش‌ها و موانع زندگی روزانه تحصیلی است (دهقانی زاده، حسین چاری، 1391).

در عصر کنونی که جهان در قرن بیست و یکم قرار دارد، بخش مهمی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی را تعلیم و تربیت تشکیل می‌دهد. به طوری که یونسکو در گزارش جهانی اعلام کرده است که: تقریباً از هر پنج انسانی که امروزه زندگی می‌کند، یک نفر یا شاگرد است یا در نظام آموزشی به عنوان معلم خدمت می‌کند. از آنجایی که آموزش و پرورش کلید توسعه‌ی همه‌جانبه جوامع بشری است، یکی از اساسی‌ترین وظایف و مأموریت‌های خود را تربیت نیروی انسانی کیفی، توسعه یافته، و مولد می‌داند. نیروی انسانی کارآمد با تأکید بر داشتن مهارت و اندیشه‌های بلند موجب تحول و پیشرفت جامعه می‌شود (امانت جلودار، قلی‌زاده، ۱۳۹۴).